دو فصل‌نامه علمی پژوهشی
مطالعات اندیشه معاصر مسلمین
سال دوازدهم، ش بیست و سوم، بهار و تابستان ۱۴۰۵
صفحات ۸۶ ـ ۶۳

Studies Of Muslim Contemporary Thought
Year. 12, No. 23
Spring and Summer 2026
P 63-86

پوشش در آینه نواندیشی؛ تحلیل انتقادی دیدگاه دکتر شحرور درباره حجاب و نقد آن از دیدگاه مفسران

افسانه محمودی[۱]

فاطمه قنبری[۲]

حسین سالارفر[۳]

محمدسبحان ماهری قمی[٤]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۱۹

چکیده

حجاب از مسائل چالش‌برانگیز در گفتمان دینی معاصر است که با ظهور قرائت‌های نواندیشانه، تفسیرهای متفاوتی از آن ارائه شده است. محمد شحرور با رویکردی زبان‌شناختی و تاریخی، حجاب را نه یک حکم الزام‌آور شرعی، بلکه توصیه‌ای اخلاقی، هنجاری اجتماعی، انعطاف‌پذیر و وابسته به عرف و شرایط زمان می‌داند و با تکیه بر تحلیل واژگان قرآنی و زمینه‌های تاریخی، معتقد است که مفهوم «حجاب» در قرآن به معنای پوشش کامل زنان نیست، بلکه ناظر به نوعی مرز اجتماعی و اخلاقی است که حدود آن بر اساس شرایط فرهنگی و اجتماعی هر عصر تعیین می‌شود. مقاله حاضر با هدف تبیین و نقد این دیدگاه، به بررسی مبانی نظری، ادله و لوازم دیدگاه شحرور در باب حجاب می‌پردازد. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد انتقادی و با تمرکز بر آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور و آیه ۵۹ سوره احزاب، برداشت‌های شحرور از مفاهیم «جیوب»، «زینت»، «غضّ بصر» و «جلباب» را تحلیل و با دیدگاه مفسران و فقیهان اسلامی مقایسه کرده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که دکتر شحرور با بهره‌گیری از روش‌های زبان‌شناختی، تاریخی و عقل‌گرایانه، تلاش کرده تا قرائتی نوین از متون دینی ارائه دهد و با تفکیک میان حدود و فرائض در قرآن و با تأکید بر اصل آزادی و کرامت انسانی، به بازتعریف مفاهیمی چون پوشش و حجاب پرداخته است. بررسی طیفی دیدگاه‌های شحرور نشان می‌دهد که بخش قابل

۱. طلبه سطح ۳ حوزه و استاد حوزه قزوین: amahmwdia4@gmail.com

۲. مدرس حوزه و سطوح عالی جامعه الزهرا: f.ghanbari.313@gmail.com

۳. استاد مدعو دانشگاه آزاد اسلامی باراجین قزوین: onady110@gmail.com

٤. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین (نویسنده مسئول): orvatolvosgha110110@yahoo.com

توجهی از آرای وی در سطح «روش» شکل گرفته که این روش به‌واسطه مبانی عرف‌گرایانه و فطرت‌محور، در سطح «نظریه» به چارچوب‌هایی مانند نظریه حدود منتهی شده و در نهایت در سطح «بناء» به نتایجی همچون تقلیل پوشش به حداقل و نفی الزام حجاب انجامیده است. دیدگاه شحرور با تأکید بر نسبیت فرهنگی، زمینه‌ای برای بازاندیشی در فهم متون دینی فراهم می‌کند، اما در عین حال خطر تضعیف اصول ثابت شریعت را در پی دارد.

کلیدواژه‌ها: محمد شحرور، حجاب، نواندیشی و دگراندیشی، فهم قرآن، تفسیر نواندیشانه.

۱. مقدمه و بیان مسأله

مسئله حجاب یکی از مناقشه‌برانگیزترین موضوعات در گفتمان دینی و اجتماعی جوامع اسلامی معاصر به شمار می‌آید. این مفهوم علاوه بر بیان حکم شرعی، به‌عنوان نمادی از هویت دینی، اخلاقی و فرهنگی نیز شناخته می‌شود. با این حال، در دهه‌های اخیر، ظهور نواندیشان دینی موجب شکل‌گیری قرائتی متفاوت از مفهوم حجاب شده است که با تکیه بر روش‌های زبان‌شناختی، تاریخی و عقل‌گرایانه، درصدد بازخوانی متون دینی و تطبیق آن‌ها با مقتضیات زمانه است. این رویکرد، چالش‌هایی را برای تفسیرهای سنتی ایجاد کرده و باعث شده تا مسائلی مانند آزادی فردی، فرهنگ‌سازی و تفسیر مدرن از آیات قرآنی مورد توجه قرار گیرند.

در این میان، دیدگاه دکتر شحرور، به‌عنوان یکی از چهره‌های تأثیرگذار در جریان نواندیشی دینی، با تمرکز بر بازتعریف مفهوم پوشش و انتقاد از تفسیرهای سنتی، به‌گونه‌ای نوآورانه و گاه جنجالی مطرح شده است. وی تلاش می‌کند تا با برقراری گفت‌وگو میان سنت و مدرنیته، جایگاه و کارکرد حجاب را در ساختار فرهنگی و انسانی معاصر بازخوانی کند؛ اما دیدگاه‌های او هم‌زمان به دلیل نوآوری‌ها و انتقادهای واردشده، با چالش‌ها و نقدهای متعددی از سوی مفسران و اندیشمندان روبه‌رو شده است.

با توجه به اهمیت این موضوع، مقاله حاضر درصدد است ضمن بررسی مبانی نظری، ادله و لوازم دیدگاه شحرور در تفسیر قرآن، به تحلیل انتقادی دیدگاه‌های او درباره حجاب بپردازد. این پژوهش تلاش می‌کند تا با رجوع به آیات کلیدی قرآن (نور/۳۱ و احزاب/۵۹) و مقایسه آن‌ها با دیدگاه‌های شحرور، میزان انسجام، نوآوری و قابلیت پذیرش اجتماعی و فقهی این قرائت را ارزیابی کند. به همین منظور، این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد انتقادی درصدد است تا به سؤالات ذیل پاسخ دهد: آیا قرائت شحرور از حجاب با اصول تفسیری پذیرفته‌شده در علوم قرآنی هم‌خوانی دارد؟ تا چه حد می‌توان دیدگاه او را در چارچوب اجتهاد دینی قرار داد؟ به عبارت دیگر، هدف این مطالعه، بررسی محتوای نظری دیدگاه‌های شحرور، ارزیابی میزان هم‌خوانی و تفاوت آن‌ها با سنت تفسیر و تحلیل انتقادی نقاط قوت و ضعف رویکرد او در مقایسه با نظرات مفسران، در راستای فهم بهتر مفهوم و کارکرد پوشش در زندگی فردی و اجتماعی است.

۲. پیشینه پژوهش

بررسی و جست‌وجوی پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که درباره دیدگاه دکتر شحرور در موضوع حجاب، پژوهش‌هایی انجام شده است که به شرح زیر هستند:

الف. عفره محمد ربیع علی علی، «نقد آراء محمد شحرور حول آیات الحجاب و التستر تبنیا علی آراء العلامه الطباطبایی»، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱٤۰۱ش. در این پژوهش آمده است که درباره حجاب و پوشش در اسلام، حکم شرعی وجود ندارد و آیات حجاب به تبیین بُعد اجتماعی مسئله حجاب اشاره دارند؛ زیرا زنان در زمان پیامبر به دو گروه برده و آزاده تقسیم می‌شدند. از این رو، قرآن کریم به زنان آزاده سفارش کرد تا پوشش کامل‌تری داشته باشند تا مردم در کوچه و خیابان آن‌ها را با بردگان اشتباه نگیرند و مورد تعرض و آزار و اذیت واقع نشوند.

ب. قنبری، فاطمه و مروتی، فاطمه، «نقد آراء محمد الشحرور في مسألة الستر والحجاب حسب آثار العلامة الجوادي الآملي التفسيرية»، مجلة الكلية الاسلامية الجامعة، ۲۰۲۵م. این پژوهش بر اساس دیدگاه آیت‌الله جوادی‌آملی، به نقد و بررسی دیدگاه شحرور در موضوع حجاب پرداخته است.

ج. روحی برندق، کاوس و قربانی، حسام، «نگاهی انتقادی به مسئله حجاب و پوشش از دیدگاه محمد شحرور»، دوفصلنامه دین و دنیای معاصر، دوره ۱۱، شماره ۱، خرداد ۱٤۰۳. در این پژوهش آمده است که شحرور با تکیه بر لغت، در جهت ارائه خوانشی نو از آیات برآمده است؛ تا آنجا که پوشش زنان مؤمن را مطابق با آداب و عرف سرزمین خود می‌داند.

د. محمدی، زهرا؛ شکوری، حسن؛ امیری دوماری، نفیسه، «نقد نظریه حدود محمد شحرور نسبت به مسئله حجاب»، پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، زمستان ۱٤۰٤ش، شماره ٤۱. در این پژوهش آمده است که شحرور با ارائه نظریه حدود و تفسیری نوین از آیات قرآن، حجاب را به‌مثابه یک حد حداقلی در نظر می‌گیرد و بر نقش محوری عرف و تغییرات اجتماعی در تعیین مصادیق و جزئیات احکام تأکید دارد.

هـ. الأمین، السید مهدی، «مسألة الحجاب فی القرآن، وقفة مع الدکتور محمد شحرور»، المنهاج، صیف ۱٤۲۳هـ.ق، العدد ۲٦. این پژوهش پس از بیان تاریخ حجاب، حجاب در اسلام، ستر در قرآن، لباس زن در جاهلیت، مفهوم و اقسام زینت، معنای جیب و استثناشدگان از حکم، به نقد روش شحرور درباره حجاب در کتاب «القرآن وسنة» پرداخته است.

در پژوهش‌های صورت‌گرفته، تنها به برخی از دیدگاه‌ها و نظرات دکتر محمد شحرور اشاره شده است. اما در این پژوهش، ضمن واکاوی دقیق و تبیین دیدگاه شحرور در موضوع حجاب، تحلیلی توأمان از مبانی، روش و نتایج دیدگاه محمد شحرور درباره حجاب ارائه شده است؛ به‌گونه‌ای که نقد تنها به نتایج معطوف نبوده، بلکه ریشه‌های زبان‌شناختی و رویکرد عرف‌گرایانه وی نیز واکاوی شده است. این مقاله با تمرکز جزئی و نظام‌مند بر مفاهیم

کلیدی آیات، قرائت شحرور را به‌صورت تطبیقی با دیدگاه مفسران ارزیابی کرده و همچنین، با نقد روشمند کاربست نظریه «حدود» در حوزه پوشش، از سطح نقدهای نتیجه‌محور فراتر رفته است. تبیین نسبت میان عرف، زمانه و نص دینی در اندیشه شحرور و نشان دادن پیامدهای عرفی‌سازی حجاب، از دیگر وجوه تمایز این پژوهش است. از این رو، مقاله حاضر می‌تواند خلأ موجود را تا حدی برطرف کند و زمینه‌ساز تحقیقات گسترده‌تر در آینده باشد.

۳. شرح‌حال دکتر محمد شحرور

محمد بن دیب (۱۹۳۸-۲۰۱۹م.)، قرآن‌پژوه اهل سوریه، پس از گذراندن تحصیلات در دمشق، با بورسیه تحصیلی، مهندسی راه و ساختمان را در مسکو خواند و مدرک دکترای خود را از دانشگاه ایرلند اخذ کرد (فطانی، بی‌تا، ص. ۵). وی هرگز آموزش رسمی علوم اسلامی ندید و تمامی دانش دینی خود را به‌صورت خودآموز به دست آورد. هدف اصلی شحرور از ورود به مطالعات اسلامی، یافتن راهکاری عملی برای برون‌رفت جوامع مسلمان از بحران‌های فکری و سیاسی بود. او با بررسی مذاهب و مکاتب سنتی، آن‌ها را در پاسخ‌گویی به نیازهای روزگار ناکارآمد دانست و بر این اساس، رویکردی نوین جهت تفسیر نصوص دینی ارائه کرد. به باور وی، شریعت اسلام به‌گونه‌ای طراحی شده که قابلیت انطباق با شرایط متغیر زمان و مکان را دارد و مسلمانان معاصر نمی‌توانند به برداشت‌های گذشتگان از قرآن بسنده کنند. او میان وحی الهی و فهم انسانی تمایز قائل بود و هرگونه تفسیر از قرآن را محصول عقل و تجربه بشری می‌دانست که قداست وحی را ندارد و باید پیام قرآن را مطابق با نیاز دوره حاضر فهم کرد. وی بسنده کردن به برداشت‌های گذشتگان را منافی جاودانگی قرآن می‌دانست؛ به همین خاطر، معتقد بود که قرآن باید در هر زمانی متناسب با نیازهای آن دوره فهمیده شود (شحرور، ۲۰۱۷م، ص. ٦١).

وی در نخستین و شاخص‌ترین اثر خود، «الکتاب والقرآن»، با ارائه قرائتی معاصر استدلال کرد که اسلام دین عقلانیت، آزادی و معرفت‌افزایی است و برای تمام اعصار صلاحیت دارد. شحرور معتقد بود برای تفسیر قرآن در عصر حاضر، مسلمانان مدرن صلاحیت و توانمندی بیشتری نسبت به پیشینیان دارند؛ زیرا می‌توانند آن را بر مبنای معیارها و واقعیت‌های روز بازخوانی کنند. به همین منظور، در این رابطه می‌گوید: «قرآن را چنان بخوان که گویی همین حال بر تو نازل شده است» (شحرور، ۲۰۱۷م، ص. ٤٤). شحرور در دیگر حوزه‌های اندیشه اسلامی نیز فعال بود و آثاری چند پدید آورد، از جمله: الکتاب والقرآن قراءة معاصرة الدولة و المجتمع، الدوله والمجتمع،

الاسلام والایمان، الدین والسلطه؛ قراءه معاصره للحاکمیه، نحو أصول جدیدة للفقه الإسلامی، فقه المرأة، الوصیة و الارث القوامة، تجفیف منابع الإرهاب، القصص القرآنی (شحرور، ۲۰۱۰م، ج. ۲، ص. ٦).

۴. تحلیل طیفی دیدگاه‌های دکتر شحرور در مسأله حجاب

در نگاه محمد شحرور، حجاب بیش از آنکه حکمی ثابت و تغییرناپذیر شرعی باشد، یک هنجار اجتماعی است که حدود آن با عرف هر جامعه تعیین می‌شود. او اعتقاد دارد وظیفه قرآن در این زمینه، ارائه خطوط کلی پوشش است و تعیین مصادیق عملی آن به شرایط فرهنگی و اجتماعی هر عصر واگذار شده است (شحرور، ۱۹۹۰م، صص. ۵۳۷-٥٤٠). شحرور بر این باور است که پوشش زنان، علاوه بر رعایت حدود کلی در قرآن، حفظ کرامت انسانی و حریم خصوصی، باید با معیارهای رایج اجتماعی نیز هماهنگ باشد. از این منظر، تغییر در شکل و شیوه پوشش نه‌تنها ناسازگار با دین نیست، بلکه می‌تواند پاسخی به تحولات طبیعی جوامع نیز باشد (همان). منتقدان این رویکرد را موجب عرفی‌انگاری و تضعیف جایگاه حجاب در منظومه احکام الهی می‌دانند. از نگاه آنان، تنزل حجاب از یک «حق الهی» به یک «انتخاب شخصی» می‌تواند به کاهش پایبندی اجتماعی، تزلزل ارزش‌های خانوادگی و ایجاد شکاف میان نسل‌ها بینجامد. در این دیدگاه، حجاب علاوه بر حفظ عفت فردی، ضامن سلامت روابط اجتماعی و استحکام بنیاد خانواده است (بهمن‌پوری و آل‌کثیر، ۱۳۹٤ش، صص. ١٤٥-١٧٤).

شحرور مطابق آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور و آیه ۵۹ سوره احزاب، نکاتی را در تبیین آن‌ها مطرح می‌سازد که بیانگر چارچوب فکری و استدلالی او درباره حجاب است. در بینش قرآن، حجاب زن صرفاً موضوعی فردی، خانوادگی یا اجتماعی نیست که بتوان بر پایه رضایت شخصی یا جمعی از آن صرف‌نظر کرد؛ بلکه حقی الهی است. بدین معنا که زن نمی‌تواند بگوید «من از حق خود گذشتم» و نیز مرد نمی‌تواند بگوید «من راضی‌ام» و خانواده نیز نمی‌تواند با رضایت خود این حکم را تغییر دهد. از نظر دکتر شحرور، بر پایه تحلیل آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور، هجده نکته اساسی درباره حجاب وجود دارد که در ادامه به همه آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. سخن خداوند در دو آیه درباره تحریم نگاه کردن به نامحرم است. البته با توجه به عبارت «يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ» و نیز حرف «من» تبعیضیه، تنها برخی از نگاه‌ها تحریم شده است (شحرور، ۱۹۹۰م، ص. ٦٠٤).

۲. در این آیات، حجاب و نگاه به عرف واگذار شده است. بنابراین، این حکم در عرف هر زمان و مکان ممکن است متفاوت باشد (همان).

۳. با توجه به معانی مهربانی و عطوفت در واژه «غض»، هدف خداوند از بازداشتن نگاه می‌تواند شامل مواردی باشد که زن یا مرد تمایلی ندارند دیگران به آن‌ها نگاه کنند. بنابراین، در حالت نارضایتی باید از نگاه کردن به زن یا مرد خودداری کرد و چشم‌ها را از نگاه کردن بازداشت. اما وقتی زنی در چنین شرایطی نباشد، هنگام گفت‌وگو با او، از سوی خداوند هیچ مانعی برای نگاه کردن به او وجود ندارد (همان، ص. ٦٠٥).

۴. حفظ شرمگاه از جمله مواردی است که در هر دو آیه به آن اشاره شده است و بنابراین، کمترین حد برای رعایت مرد، پوشاندن شرمگاه خود است (همان).

۵. بازداشتن چشم از نگاه کردن به مواضع نهی‌شده، از جمله موارد مشترکی است که برای زن و مرد مطرح شده و حاکی از آن است که رعایت این موارد، متناسب با فطرت انسانی بوده و در روابط میان زنان و مردان مشکلی ایجاد نخواهد کرد (همان).

۶. مقصود از زینت در این آیه، زینت مکانی است. در واقع، منظور جسم زن است، نه آرایش و زیورآلات زن (همان، ص. ٦٠٦).

۷. با توجه به عبارت قرآنی «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»، درمی‌یابیم که زن دارای دو گونه زینت است: نخست، زینت ظاهری مانند سر، شکم، دست‌ها و پاها و دیگری، زینت مخفی (شحرور، ۱۹۹۰م، صص. ٦٠٤-٦٠٦).

۸. »جیوب» جمع جیب است؛ شکافی که دارای دو لبه است و در زبان عربی دارای یک اصل معنایی، یعنی «شکافتن چیزی و برگرداندن کلام»، است. زن تنها همین محدوده از جیوب را باید بپوشاند (همان، ص. ٦٠٧).

۹. واژه «خمار» به پوشاندن سر محدود نمی‌شود؛ زیرا خمار هم شامل پوشاندن سر و هم غیر آن می‌شود. معنای عبارت خداوند متعال آن است که زن باید زینت پنهان (جیوب) خود را بپوشاند. علت آن هم این است که واژه «ابداء» صرفاً برای اشیای پنهان کاربرد دارد (همان).

۱۰. نمایان کردن جیوب پنهان برای محرم‌ها اشکالی ندارد؛ بنابراین، در صورت برهنه بودن زن در برابر محارم، هیچ منعی از سوی خداوند وجود ندارد. اما اگر زنی همچنان خود را نزد این افراد می‌پوشاند، علت آن حیا یا عرف جامعه است و ارتباطی با حرام بودن نگاه به او ندارد (همان).

۱۱. واژه «او نسائهن» برای زنان مؤمن به کار نرفته است و شامل متأخرینی است که پس از این محارم می‌آیند و شامل نوه‌ها، پسرانِ پسر برادر، پسرانِ پسر خواهر، پسرانِ پسر همسر و مانند این‌ها می‌شود (همان).

۱۲. قسمت بعدی آیه شامل مردانی است که به زنان رغبتی ندارند، مانند پزشکان. بنابراین، شامل مردان دیوانه و کم‌عقل نمی‌شود؛ زیرا شهوت جنسی برای افراد دیوانه محلی از اعراب ندارد (شحرور، ۱۹۹۰م، ص. ٦٠٧).

۱۳. با توجه به اینکه «عورت» به معنای چیزی است که شخص از آشکار شدن آن حیا می‌کند و حیا با توجه به شرایط زمانی و مکانی، امری نسبی است، می‌توان گفت محدوده عورت مرد به خاطر تفاوت معنای حیا در اقوام گوناگون، حد و مرز مشخصی ندارد و ممکن است در مکانی متفاوت از مکان دیگر باشد (همان، ص. ٦١٢).

۱۴. با توجه به عبارت «وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ»، تفسیر این عبارت به استفاده از خلخال و کفش صدادار، اشتباه است. مقصود عبارت، انجام ندادن کارهایی است که باعث آشکار شدن جیوب می‌شود، همانند رقص و زنا (شحرور، ۱۹۹۰م، صص. ٦١٢-٦١٣).

۱۵. کمترین حد پوشاندن، جیوب پنهان در زن است. اما اگر بخواهند بیشترین حد را رعایت کنند، در قرآن کریم آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (احزاب/٥٩). آیه با خطاب آغاز شده است؛ بنابراین، در حال تعلیم و سفارش کردن است. منظور از «جلباب»، همان لباس خارجی است که زنان می‌پوشند و بنا بر عرف هر سرزمینی، لباسی متفاوت است و ممکن است شامل شلوار، پیراهن، مانتو و غیره شود. بنابراین، اگر زنان به این حکم عمل نکنند، ممکن است مردان عامل آزار و اذیت آنان شوند. اما به هر صورت، هیچ عقابی از ناحیه خداوند متوجه زنان نخواهد بود؛ زیرا این آیه به حرام و حلال بودن حکم نداده و آیه تشریعی نیست (شحرور، ۱۹۹۰م، صص. ٦١٤-٦١٥).

۱۶. مردان و زنان عرب پیش از ظهور اسلام، لباس قومی و محلی خود را متناسب با آب‌وهوای عربستان می‌پوشیدند. تنها تغییر صورت‌گرفته در لباس زنان عرب پس از نزول آیه ۳۱ سوره نور، این بود که زنان عرب از روسری‌های خود برای پوشاندن سینه‌های خویش استفاده می‌کردند (همان، ص. ٦١٧).

۱۷. پوشش هر زن مؤمنی باید بر مبنای عرف سرزمین و جامعه خود باشد، به‌گونه‌ای که احکام یادشده در آیه ۳۱ سوره نور را به‌عنوان واجب رعایت کرده باشد و از احکام آیه ۵۹ سوره احزاب به‌عنوان آموزش نیز بهره جسته باشد (همان، ص. ٦١٧).

۱۸. پوشاندن جیوب پنهان، پایین‌ترین حد در حجاب محسوب می‌شود. خروج از پایین‌ترین حد، به معنای خروج از حدود الهی و ممنوع است. به‌طور کلی، پوشش بیشتر از پایین‌ترین حد توسط زنان، منع و اشکالی نخواهد داشت؛ زیرا در محدوده بین این دو حد قرار دارد. به‌علاوه، توجه به عرف نیز در تغییر و تحولات اثرگذار است و تفسیر احکام با توجه به عرف یک جامعه صورت می‌پذیرد؛ آن هم در صورتی که از حدود الهی فراتر نروند (شحرور، ۱۹۹۰م، صص. ٦١٧-٦١٨).

بررسی طیفی دیدگاه‌های دکتر شحرور در مسئله حجاب حاکی از آن است که آرای وی در چهار سطح «مبانی»، «روش»، «نظریه» و «بناء» قابل تجزیه و تحلیل است. در سطح مبانی، تأکید بر عرف‌گرایی و نسبی بودن مفاهیم «عورت» و نیز تلقی احکام به‌عنوان اموری فطری و تربیتی، زمینه‌ساز فهمی غیرالزامی از حجاب شده است. این مبانی، در سطح روش، با تکیه بر تحلیل‌های زبان‌شناختی و واژه‌محور، نظیر تفسیر «من» تبعیضیه، بازخوانی معنای «غض»، «زینت»، «جیوب» و «خمار» و نیز تحلیل ساختار خطاب آیات، به قرائتی خاص از متن قرآن انجامیده است. در ادامه، این رویکرد در سطح نظریه به صورت‌بندی چارچوب‌هایی همچون تقسیم زینت به ظاهری و باطنی و به‌ویژه نظریه «حدود» (حد ادنی و اعلی) منتهی شده است. نهایتاً در سطح بناء، این منظومه فکری به نتایجی چون تقلیل پوشش به حداقل (پوشاندن جیوب)، جواز برهنگی در برابر محارم، عدم وجوب پوشش سر و گردن و غیرتشریعی دانستن آیه جلباب و نفی ترتب عقاب انجامیده است. بنابراین، می‌توان گفت نتایج فقهی دکتر شحرور نه امری منفصل، بلکه برآیند منطقی مجموعه‌ای از مبانی عرف‌گرایانه، روش‌های زبان‌محور و چارچوب‌های نظری خاص در اندیشه اوست.

به منظور سهولت در پژوهش، نکات مستخرج از دیدگاه دکتر شحرور به ترتیب متن و به صورت خلاصه در جدول زیر بیان می‌گردد:

ردیف	گزاره	طیف
۱	«من تبعیضیه» و عدم تحریم همه نگاه‌ها	روش و نتیجه
۲	واگذاری تعیین مصادیق به عرف	مبانی
۳	تفسیر «غض» بر اساس رضایت طرف مقابل	روش و نتیجه
۴	حداقل پوشش = حفظ شرمگاه	روش
۵	فطری و تربیتی بودن احکام	مبانی
۶	تفسیر «زینت» به جسم زن	روش
۷	تقسیم زینت به ظاهری و باطنی	نظریه و نتیجه
۸	تفسیر «جیوب» و تعیین مصادیق آن	روش و نتیجه
۹	تفسیر «خمار» و محدود نبودن به سر	روش و نتیجه
۱۰	جواز برهنگی در برابر محارم	نتیجه
۱۱	تفسیر «او نسائهن» به متأخرین	روش
۱۲	تفسیر «غیر اولی الاربة»	روش و نتیجه
۱۳	نسبی بودن «عورت» و تابع عرف بودن	مبانی
۱۴	تفسیر آیه «لا یضربن...» به رقص و زنا	روش و نتیجه
۱۵	غیرتشریعی بودن آیه جلباب و عدم عقاب	روش، نظریه، نتیجه
۱۶	تحلیل تاریخی پوشش عرب	مبانی
۱۷	تابع بودن پوشش از عرف هر جامعه	مبانی و نتیجه
۱۸	نظریه حد ادنی و اعلی در پوشش	نظریه و نتیجه

می‌توان مبانی دکتر محمد شحرور درباره حجاب را شامل موارد ذیل دانست:

أ. حجاب حق اجتماعی محسوب نمی‌شود: زیرا وی حجاب را یک «حق اجتماعی» نمی‌داند و معتقد است حجاب و مسائل مربوط به نحوه پوشش، همگی اموری شخصی هستند و مطرح کردن آن به عنوان فعالیتی در عرصه اجتماع، صحیح نیست.

ب. نگرش افراطی به نقش عربیت زبان قرآن: شحرور در تفسیر آیات حجاب، بیش از اندازه بر معنای لغوی کلمات تکیه دارد و این مسئله باعث شده است که نظرات متفاوتی داشته باشد (شحرور، ۲۰۱۷م، صص. ۲۳۳-۲۳٦).

ج. استفاده از علوم جدید در تفسیر قرآن و بی‌نیازی از سنت: وی معتقد است فهم قرآن با علوم حاصل می‌شود و به همین خاطر، آیات قرآن باید با علوم روز تطبیق داده شوند (شحرور، ۲۰۱۰م، ص. ۲٤۲). همچنین شحرور سنت را قول، فعل و تقریر نمی‌داند و مهم‌ترین صفت سنت را «تَسَنُّه؛ تغییر و دگرگونی» می‌داند که برحسب شرایط جوامع، تحولات زمان و تاریخ تغییر می‌یابد (شحرور، ۲۰۱۲م، صص. ۹۳-۹٤). وی معتقد است تنها ۱۵ درصد از قرآن توسط رسول‌الله تبیین شده است؛ به همین خاطر، سنت را شارح قرآن نمی‌داند (شحرور، ۲۰۰۰م، ص. ۲۰۱).

۵. نقد ساختاری دیدگاه محمد شحرور در مسأله حجاب

نقد دیدگاه دکتر شحرور در مسئله حجاب، بدون توجه به ساختار درونی اندیشه وی، به نتایجی سطحی و ناپیوسته منجر خواهد شد. از این رو، در این بخش درصدد هستیم با رویکردی ساختاری، آرای وی را در چهار سطح مبانی، روش، نظریه و بناء بررسی و ارزیابی کنیم. این تقسیم‌بندی موجب می‌شود تا پیوند میان پیش‌فرض‌های فکری، شیوه تفسیر، چارچوب‌های نظری و نتایج فقهی در اندیشه شحرور به‌صورت منسجم تحلیل شود.

۵-۱. نقد مبانی دیدگاه دکتر شحرور

نخستین گام در نقد ساختاری، بررسی مبانی و اصول است. نقد مبانی اندیشه شحرور در مسئله حجاب، ناظر به پیش‌فرض‌های معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی وی است که بر عرف‌گرایی، نسبی بودن مفاهیم و فردی‌سازی احکام تأکید دارد. این مبانی، زمینه‌ساز قرائتی غیرالزامی از حجاب شده و تأثیر مستقیمی بر سطوح بعدی، از جمله روش تفسیر و نتایج فقهی وی بر جای گذاشته است. شحرور حجاب را حق اجتماعی نمی‌داند (شحرور،

۱۹۹۰م، ص٦٠٦)، در صورتی که بر اساس قرآن، «حجاب نه یک امر فردی است و نه یک حق اجتماعی بلکه یک حق الهی است» (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش، ص۱۸٦). در منطق قرآن، آزادی انسان مطلق نیست و در چارچوب عبودیت و فرمان الهی معنا می‌یابد و با وضع حجاب توسط خداوند، این حکم از دایره انتخاب شخصی خارج می‌شود. بنابراین، حجاب نه امری صرفاً فردی یا اجتماعی، بلکه تکلیفی الهی است. شحرور با تکیه بر اصل آزادی فردی، حجاب را در حوزه انتخاب شخصی قرار می‌دهد و آن را از عرصه اجتماع و الزام دینی خارج می‌سازد. در مقابل، آیت‌الله جوادی آملی با استناد به منطق قرآن، آزادی انسان را مقید به عبودیت الهی می‌داند و بر این اساس، حجاب را نه یک حق فردی یا اجتماعی، بلکه تکلیف الهی معرفی می‌کند. از یک سو، پذیرش دیدگاه شحرور می‌تواند به فردگرایی و تنوع در پوشش منجر شود و از سوی دیگر، پذیرش دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی، حجاب را به یک الزام شرعی و اجتماعی مبدل می‌سازد که رعایت آن بخشی از بندگی خداوند تلقی می‌شود. این تضاد، عملاً میدان مناقشه‌ای گسترده میان نواندیشی دینی و سنت فقهی ایجاد کرده است.

همچنین دکتر شحرور معتقد است دستورات قرآن بر اساس فطرت انسان است و رویکردی تربیتی دارد که فطرتاً با انسان سازگار است (شحرور، ۱۹۹۰م، ص٦٠٥). در پاسخ باید گفت: «حفظ فروج طبق عبارت «و یحفظوا فروجهم» که بدون قید بوده و مطلق است؛ واجب است. زیرا مرد باید در همه حالات عورت خود را از هم‌جنس و ناجنس بپوشاند و از گناه و نگاه دیگران حفظ کند و این یک حکم شرعی است نه یک مسئله اجتماعی صرف. همچنین باید توجه کرد که «یغضوا» و «یحفظوا» جواب طلب و محذوف و از این‌رو مجزوم هستند و حرف (ن) از هر دو فعل افتاده است و در واقع جواب شرط مقدر یعنی «و مرهم بحفظ الفروج فانک ان تامرهم بالحفظ یحفظوا فروجهم» (جوادی آملی، ١٤٠٠ش، ج٥٩، ص٥٩١). همچنین «مسئلهٔ دیگر آن که عدم وجوب ستر، ستر غیر عورت با جواز نگاه به سایر اعضای بدن مرد تلازم ندارد. زیرا در آیه «قل للمؤمنین یغضضن من ابصارهن» حذف متعلق دلالت بر عموم دارد، یعنی مطلقاً نگاه نکنند. بر این اساس زنان حتی بدون قصد ریبه نیز نباید به بدن مرد نامحرم نگاه کنند، زیرا نگاه خود غرض را به دنبال دارد» (همان، ص٥٩٨).

شحرور می‌گوید: «دامنه حیا متناسب با شرایط مکانی و زمانی نسبی و متغیر است. همچنین محدوده «عورت» مرد به حسب فضای مکان و زمان متغیّر است» (شحرور، ۱۹۹۰، ص٦١٢). در پاسخ باید گفت: اولاً «عورة» در اصل از ریشه «عار» به معنای چیزی است که پوشاندن آن لازم است؛ زیرا آشکار شدنش سبب ننگ و نکوهش است (راغب اصفهانی، ١٤١٢ق، ص٥٩٥). همچنین با توجه به عبارت «یحفظوا فروجهم» به‌صورت مطلق،

مرد باید در همه حالات عورت خود را از هم‌جنس و ناهم‌جنس بپوشاند و از گناه و نگاه دیگران حفظ کند؛ چون حکم آیه عام است و اختصاص به مردان ندارد و شامل همه افراد می‌شود، زیرا نگاه به عورت مطلقاً حرام است و از استثنائات این حکم، زوجه است (جوادی آملی، ۱٤۰۰ش، ج٥٩، صص٥٩١-٥٩٢). نکته مهم آنکه بیشتر خطابات قرآن به‌صورت جمع مذکر است، اما زن و مرد را در برمی‌گیرند؛ زیرا حقیقت انسان به روح اوست و روح مذکر و مؤنث ندارد. بر مبنای «جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء» بودن روح، انسان مرکب از ماده و صورت است و ذکوریت و انوثت به ماده برمی‌گردد (همان).

۲-۵. نقد روش دیدگاه دکتر شحرور

نقد دیگر به حوزه روش مربوط است. نقد روش تفسیری شحرور در مسئله حجاب، معطوف به شیوه فهم وی از متن قرآن و اتکای گسترده بر تحلیل‌های لغوی و زبان‌شناختی است. این رویکرد، با کم‌توجهی به سیاق آیات، سنت تفسیری و روایات، زمینه‌ساز برداشت‌هایی خاص و متفاوت از مفاهیم قرآنی شده است. روش شحرور مبتنی بر نگرشی افراطی به نقش عربیت زبان قرآن است. وی در تفسیر آیات حجاب، بیش از حد بر معنای لغوی کلمات تکیه دارد و این مسئله باعث شده است که دیدگاه‌های متفاوتی ارائه کند. باید دانست که معنای یک واژه در قرآن با بررسی آن واژه در سراسر قرآن و موارد گوناگون کاربرد آن مشخص می‌شود و تنها فهمیدن معنای یک واژه نمی‌تواند اساس یک برداشت تفسیری قرار گیرد. شحرور با آگاهی اندک خود از واژه‌های قرآنی به تفسیر قرآن پرداخته و این امر باعث باز شدن باب تحریف قرآن می‌شود و ضمن کاهش اثربخشی قرآن، آن را از ساحت الهی به ساحت بشری نزدیک می‌کند (عقیلی، ۱٤۰٤ق، ص۱۳). این نقد نشان می‌دهد که یکی از نقاط ضعف اساسی در روش شحرور، اتکای افراطی او به زبان عربی و تحلیل صرفاً لغوی واژگان قرآنی است؛ در حالی که علوم قرآنی بر ضرورت توجه به سیاق آیات، شأن نزول، سنت تفسیری و ارتباط میان واژگان در کل قرآن تأکید دارند. شحرور با محدود کردن تفسیر به معنای لغوی، از این مبانی فاصله گرفته است. چنین رویکردی می‌تواند زمینه‌ساز برداشت‌های سطحی و گاه متناقض شود و در نهایت، قرآن را از جایگاه الهی و قدسی خود به سطح متنی بشری و قابل تحریف بکاهد. از این منظر، نقد عقیلی بر شحرور هشدار می‌دهد که تفسیر قرآن تنها با تکیه بر لغت‌شناسی کافی نیست، بلکه نیازمند رویکردی جامع است که هم بُعد الهی و هم بُعد تاریخی و تفسیری قرآن را در نظر گیرد.

همچنین شحرور معتقد است در هر دو آیه ۳۰ و ۳۱ سوره نور از تحریم نگاه به نامحرم سخن به میان آمده است؛ ولی با توجه به عبارت «یَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ»، «من» در این عبارت تبعیضیه است. بنابراین، هر نوع نگاهی به نامحرم حرام نشده، بلکه بعضی از نگاه‌ها منع شده است (شحرور، ۱۹۹۰م، ص٦٠٤). در پاسخ گفته می‌شود «مِن» تبعیضیه به این معناست که در مواردی نگاه جایز است؛ مانند نگاه کردن پزشک برای درمان، شاهد برای شهادت و نگاه مرد به زنی که قصد ازدواج با او را دارد (جوادی آملی، ١٤٠٠ش، ج٥٩، ص٥٩١). بنابراین، همه نگاه‌ها مشمول حرمت نیستند.

دکتر شحرور می‌گوید با توجه به معنای لغوی کلمه «غض»، منظور خداوند بازداشتن از نگاه در حالتی است که زن یا مرد تمایلی ندارند نامحرمی به آن‌ها نگاه کند. اما هنگام صحبت کردن یک زن با مردی که در این حالت نیست، هیچ منعی برای نگاه کردن آن دو به یکدیگر ذکر نشده است (شحرور، ۱۹۹۰م، ص٦٠٤). نکته قابل توجه آنکه با مراجعه به کتاب‌های لغت، درمی‌یابیم که واژه «غض» تنها یک معنا ندارد و معانی آن شامل فرود آوردن نگاه (ابن فارس، ۱۳۹۹ش، ج٤، ص۳۸۳) و پایین آوردن نگاه (راغب اصفهانی، ١٤١٢ق، ج١، ص٦٠٨؛ مصطفی، ۱۹۸۹م، ص٦٥٤) است.

پرسش‌های زیر نشان‌دهنده بی‌توجهی مفسر به ابعاد گوناگون واژه «غض» است که بدون شک در نگرش تفسیری ایشان نقش مهم و کلیدی داشته‌اند (احمدزاده، ۱۳۸۰ش، ص١٤٠): معنای اصلی واژه «غض» یکی است یا دو معنا دارد؟ آیا معانی واژه «غض» قابلیت ادغام در یکدیگر را دارند؟ در کدام موارد، واژه «غض» به معنای «نقص» است و در چه مواردی به معنای «طراوت»؟ آیا وجود یک متعلق پس از واژه «غض» بر بار معنایی آن اثرگذار است؟ مراد از «غضّ بصر»، معنای ذاتی آن است یا عرضی؟ تفاوت «غض بصر» و «غض عین» چیست؟

در ارتباط با خطاب «غضّ بصر» می‌توان به دو احتمال اشاره کرد: نخست آنکه خطاب به‌صورت مستقیم متوجه بیننده است یا شخصی که به او نگاه می‌شود؟ با توجه به تنوع در مراتب نگاه، واژه «غض» به کدام‌یک مربوط است؛ برای مثال، چشم دوختن به فرد، خیره نگاه کردن، نگاه از سر عبرت، نگاه از سر شرم، نگاه عادی، نگاه عامیانه، نگاه موذیانه یا نگاه از سر شهوت؟ دکتر شحرور می‌تواند پس از پاسخ به این پرسش‌ها، دیدگاه خود را این‌گونه بیان کند که «غضّ بصر» شامل نوعی نگاه می‌شود که فرد مقابل تمایلی به دریافت آن ندارد (احمدزاده، ۱۳۸۰ش، ص١٤٠).

در جمله «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنّ»، از آنجایی که کلمه «يَغْضُضْنَ» مترتب بر «قل» است، به‌وضوح نشان می‌دهد که «قُل» به معنای «امر» است. بنابراین، معنای جمله، دستور به چشم پوشاندن مؤمنات است. این آیه به‌جای نهی از چشم‌چرانی، به پوشاندن چشم‌ها امر می‌کند و این دو مفهوم تفاوتی ندارند. این امر همچنین نهی از نگاه به مردان بیگانه را نیز شامل می‌شود و به دلیل اطلاق آن، نگاه به مردان اجنبی را برای زنان تحریم کرده است (طباطبایی، ۱۳۷۸ش، ج۱۵، ص۱۰۹). «غض بصر» در این آیه باید به معنای حرمت نگاه به نامحرم و آنچه نگاه کردن به آن حرام است، گرفته شود. به نظر می‌رسد دکتر شحرور به این نکات وقعی ننهاده است. حتی نگاه بی‌غرض نیز ممکن است زمینه‌ساز نگاه از روی غرض شود.

شحرور در بیان معنای «جیوب»، «جیب» را به معنای یقه پیراهن می‌داند که از آن به گریبان تعبیر می‌شود و گاهی به تناسب مجاورت با آن، بر قسمت بالای سینه اطلاق می‌گردد و کنایه از سینه‌هاست؛ زیرا خمار و پوشش بر گریبان‌ها قرار می‌گیرد و روی سینه را می‌پوشاند (شحرور، ۱۹۹۰م، ص٦٠٧). وی در ادامه، «جیب» را به معنای عضو شکاف‌دار دانسته است، در حالی که علت آن را بیان نکرده است. همچنین، با مراجعه به فرهنگ‌های لغت عربی درمی‌یابیم که «جَوَبَ» یا «جَيَبَ» برای شکافی به کار می‌رود که بر چیزی عارض شده است و هیچ‌گاه شامل اشیایی که در اصل خود شکاف دارند، نمی‌شود (احمدزاده، ۱۳۸۰ش، ص۱۲). درست است که «خمر» در اصل به معنای پوشاندن چیزی است، ولی واژه «خمار» در عرف عرب برای جامه‌ای مانند روسری یا مقنعه به کار می‌رود که زن با آن سرش را می‌پوشاند (راغب اصفهانی، ١٤١٢ق، ص۲۸۹) و قسمت اضافی آن را بر سینه‌اش می‌آویزد (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج۳، ص۲۹۲).

عبارت «أو نسائهنّ» به معنای زنان مؤمن نیست، بلکه «نساء» به معنای متأخرینی است که پس از این محارم می‌آیند و شامل نوه‌ها، پسرانِ پسر برادر، پسرانِ پسر خواهر و پسرانِ پسر همسر می‌شود (شحرور، ۱۹۹۰م، ص٦٠٧). این نظر صحیح نیست؛ زیرا «النِّساء» به معنای زنان و «النَّساء» به معنای «تأخیر» است (ابن منظور، ١٤١٤ق، ج۱۵، ص۳۲۱). منظور از زنان استثناشده در این آیه، زنان نامسلمان است. زن مسلمان نباید زینت باطنی‌اش را به زنان کافر نشان دهد؛ زیرا ممکن است زینتش را برای نامحرمان وصف کنند و این حکم برای رعایت ادب و عفت عمومی است (جوادی آملی، ١٤٠٠ش، ج٥٩، ص٦١٦).

شحرور از اصطلاح «اللباس» برای حجاب استفاده کرده و معتقد است: «قرآن در آیات حجاب از الفاظی که معنای لباس دارد مانند ثیاب، جلباب و خمر استفاده کرده است» (شحرور، ۲۰۰۰م، ص۳۳۱). اما بعضی از

مفسران در بحث پوشش از واژه «ستر» استفاده می‌کنند و معتقدند در دین اسلام برای زنان و مردان دو نوع پوشش یا «سَتْر» وجود دارد: نخست، سَتْر نفسی و دوم، پوشش در برابر دیگران. سَتْر نفسی مربوط به نماز است، ولی حکم پوشش زنان مسلمان در برابر دیگران در آیه ۳۱ سوره نور مطرح شده است (جوادی آملی، ۱٤۰۰ش، ج۵۹، ص۵۹۸). بر این اساس، زنان باید در برابر دیگران تمام بدن خود، غیر از گردی صورت و مچ و انگشتان دو دست را بپوشانند و حدود پوشش شرعی برای همه زنان مسلمان در هر زمان و مکانی یکسان است.

شحرور با توجه به آیه ۵۹ سوره احزاب می‌گوید: «شروع آیه با «یا ایها النبیّ» نشان می‌دهد که آیه تشریع نیست، بلکه تعلیمی است. منظور از «جلباب» در این آیه لباس خارجی است و از سوی دیگر این حکم، سفارشی برای محافظت شدن زنان از آزار و اذیت‌های اجتماعی است» (شحرور، ۱۹۹۰م، ص٦١٥-٦١٤). در پاسخ به نظر شحرور باید گفت «جلباب» به معنای لباس و پوششی بزرگ‌تر از روسری و کوچک‌تر از رداء است که زن با آن سر و سینه خود را می‌پوشاند (فراهیدی، ۱٤۰۹ق، ج٦، ص۱۳۲) و مطابق دیدگاه زمخشری، زن آن را بر سر خود می‌پیچد و باقی آن را بر روی سینه‌اش می‌اندازد (زمخشری، ۱٤۰۷ق، ج۳، ص۵۵۹). اما در مورد معنای «جیوب» باید گفت این واژه در کتاب‌های لغت دارای معانی متعددی نظیر شکاف و حفره (فیروزآبادی، ۱٤۱۵ق، ج۱، ص۵۰؛ زبیدی، ۱٤۱٤ق، ج۱، ص۳۸۲)، گریبان پیراهن، سینه، قلب، زره و پیراهن زن است (همان). با توجه به معانی به‌کاررفته، فقط معنای اول با تعریف شحرور اندکی شباهت دارد، ولی این دو معنا یکسان نیستند؛ زیرا هیچ‌یک از لغویان «جیوب» را به معنای «شکاف و حفره‌های بدن زن» به کار نبرده‌اند. حتی اگر نظر شحرور درست باشد، دلیلی برای به کار بردن این معنا توسط نویسنده در معنای اول وجود ندارد. همچنین برای فهم معنای کلماتی که معانی متعددی دارند، باید به قرائن رجوع کرد، نه حدس و گمان. علاوه بر موارد مذکور، عملکرد زنان صحابه در اجرای دستور آیه «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ» می‌تواند بهترین شاهد بر مفهوم دو کلمه «جیوب» و «خمر» در آن زمان باشد. عایشه در این رابطه می‌گوید: من زنانی بهتر از زنان انصار ندیدم، زمانی که آیه نازل شد، هر کدام قطعه پارچه‌ای را جدا و به صورت «خمار» بر خود افکندند، گویا کلاغ روی سر آن‌ها نشسته است (زمخشری، ۱٤۰۷ق، ج۱، ص۲۳۱). بنابراین، این‌گونه پوشش که سر و بدن را با یک پارچه سیاه می‌پوشاند، نشان‌دهنده پوشش سراسری بدن است.

۳-۵. نقد نظریه دیدگاه دکتر شحرور

بخش دیگر نقد به نظریه مربوط است و ناظر به چارچوب‌های مفهومی‌ای است که شحرور در تحلیل آیات به کار گرفته است. این نظریه‌ها، با وجود انسجام درونی، به دلیل اتکای بیش از حد به پیش‌فرض‌های خاص، با چالش‌هایی در انطباق با فهم رایج تفسیری مواجه‌اند. شحرور در تعیین حدود پوشش از نظریه حدود استفاده کرده و حد ادنی و اعلی را در مورد حجاب مشخص می‌کند. وی حدود را در فقه تنها به معنای عقوبت نمی‌داند، بلکه آن را به معنای تعیین حد و مرز در امور تشریعی و شعائر می‌داند. او این مبنای فکری را از مفهوم حد توابع در ریاضیات الهام گرفته و معتقد است که دستورات الهی نیز دارای حد بالا و پایین هستند. بدین معنا که در تشریعیات، حداقل و حداکثری وجود دارد که تجاوز از آن جایز نیست (شحرور، ۱۹۹۰م، ص٤٥٣). طبق نظر شحرور، هیچ‌یک از آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور به اینکه مؤمنان باید از نگاه کردن به چه چیزهایی خودداری کنند، اشاره نکرده و تشخیص آن را به عرف، که تابع زمان و مکان است، واگذار کرده است (شحرور، ۱۹۹۰م، ص٦٠٤). در صورتی که آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر آیه ۳۰ سوره نور می‌فرماید: «حکم این آیه درباره نگاه به نامحرم و هر نوع نگاه غیر اخلاقی دیگر اطلاق دارد و همه اعضای بدن را فرا می‌گیرد، پس استثنای چهره و دست‌ها تا مچ در نگاه بدون قصد و لذت دلیل خارجی دارد» (جوادی آملی، ۱٤۰۰ش، ج٥٩، ص٥٨٩-٥٨٨). به نظر می‌رسد دیدگاه شحرور به مبنای تفسیری او، یعنی بی‌نیازی از سنت، بازمی‌گردد. او با توجه به آیه اکمال معتقد است این آیه نشان‌دهنده کامل و جامع بودن قرآن است و دیگر نیازی به سنت نیست (شحرور، ۱۹۹۰م، ص۹۷).

شحرور با استناد به آیه «ولا یُبدینَ زینتُهنَّ الاّ ما ظَهَر مِنها» (نور/۳۱) می‌گوید: «زن دوگونه زینت دارد، ظاهری و باطنی. آنچه خداوند در خلقت زن آشکار ساخت، ظاهری است؛ مانند: سر، شکم، پشت، دست‌ها و پاها و پوشانیدن آن‌ها واجب نیست. آنچه خداوند در ساختار خلقت زن محقق نموده، زینت باطنی است.....پوشاندن سر و گردن وجوب فقهی ندارد. در اینکه زن دو گونه زینت دارد، اختلافی نیست» (شحرور، ۱۹۹۰م، ص٦٠٦). وی در تبیین معنای زینت نیز دچار اشتباه شده است؛ زیرا زینت مفهومی جامع است که هر آنچه را باعث زیبایی و آرایش فرد شود، در بر می‌گیرد (ابن منظور، ١٤١٤ق، ج۱۳، ص۱۲۱).

صاحب مجمع‌البحرین، زینت را منحصر به آنچه انسان خود را با آن می‌آراید، می‌داند (طریحی، ۱۳۷۵ش، ص٢٦٢). اما راغب در بررسی کامل‌تری، زینت را به سه بخش تقسیم کرده و آن را شامل زینت نفسانی مانند

علم و اعتقادات نیکو، زینت بدنی مانند توان جسمانی و زیبایی اندام و زینت خارجی مانند مال می‌داند (راغب اصفهانی، ۱٤۱۲ق، ص۳۸۸). بنابراین، معنای لغوی واژه «زینت» بسیار گسترده‌تر از معنای «زیور» در زبان فارسی است.

از سوی دیگر، در این آیه که زنان را از آشکار کردن زینت خود منع می‌کند، دو مورد به‌عنوان استثنا ذکر شده است. یکی از این موارد، عبارت «الّا مـا ظَهَرَ مِنهَا» و دیگری «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنّ إِلّا لِبُعُولَتِهِنّ أَوْ آبَائِهِنّ» است. در استثنای اول، آنچه از زینت به‌طور طبیعی آشکار است، از حکم حرمت آشکار کردن زینت مستثنا شده است. بنابراین، این آیه به دو نوع از زینت زنان اشاره دارد: نخست، زینتی که به‌صورت طبیعی نمایان است و دیگری، زینتی که معمولاً پنهان است، مگر آنکه فرد بخواهد به‌عمد آن را آشکار کند؛ در این حالت، آیه زنان را از این کار بازداشته است.

در تبیین مصادیق زینت، سه نظر عمده وجود دارد:

۱. هدف اصلی این آیه، تأکید بر زینت بدنی و جسم زن است. بنابراین، اگر محدودیتی وجود داشته باشد، مربوط به محل استفاده از زینت و زیورآلات است. با این حال، نمایش زیورآلاتی مانند گوشواره، دستبند و بازوبند و همچنین نگاه کردن به آن‌ها هیچ ممنوعیتی ندارد و برخی این نظر را برگزیده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۳ش، ج۷، ص۲۱۷).

۲. زینت به معنای زیورآلات و تزییناتی است که بر روی بدن به کار می‌روند. در این صورت، نمایش زیورآلات معمولاً با نمایان شدن اندام‌هایی که به آن‌ها آراسته شده‌اند، همراه است. نمایان کردن زینت‌های پنهان مانند گوشواره، ساق‌بند، دستبند، بازوبند و گردنبند درست نیست، مگر در برابر افرادی که در ادامه آیه به آن‌ها اشاره شده است (فاضل مقداد حلی، ۱٤۱۹ق، ج۲، ص۲۲۲؛ زمخشری، ۱٤۰۷ق، ج۳، ص٦۱).

۳. زینت به معنای رایج، به اشیایی گفته می‌شود که برای آراستن چیزی به کار می‌روند. واژه «زینتهنّ» دارای دو قید است: یکی اعضای بدن زن که محل زینت به شمار می‌آیند و دیگری اشیایی مانند گوشواره، دستبند، گردنبند و موارد دیگر که زن با آن‌ها آراسته می‌شود. هیچ‌یک از این موارد به‌تنهایی نمی‌توانند زینت محسوب شوند (امین اصفهانی، ۱۳٦۱ش، ج۹، ص۱۰٤).

در بررسی و ارزیابی هر یک از سه نظر مطرح‌شده، اگر بر اساس ظاهر آیه، زینت به معنای خود زینت در نظر گرفته شود، نتیجه آن است که پنهان کردن زیورهایی مانند گردنبند و گوشواره از دید نامحرمان ضروری است. در مقابل، مواردی مانند انگشتر و سرمه می‌توانند آشکار بمانند. به نظر می‌رسد نظر سوم، با توجه به معنای لغوی زینت که شامل انواع مختلف زینت می‌شود و همچنین با در نظر گرفتن روایات معتبر (قمی، ١٤٠٤ق، ج٢، ص١٠١؛ کلینی، ١٤٠٧ق، ج٥، ص٥٢١)، صحیح‌تر است.

به‌طور کلی، بر اساس روایات معتبر از نظر سند، لازم است مفهوم زینت را به‌طور عام در نظر بگیریم که خود اندام را نیز شامل می‌شود؛ حتی اگر از زیورآلات و آرایش خالی باشد. در فقه اسلامی، دلایل دیگری نیز وجود دارد که حتی در صورت اختصاص زینت به زیورآلات، می‌توانند برای اثبات وجوب پوشش کافی باشند (مقدس اردبیلی، ١٤٠١ق، ج٢، ص١٠٤). بنابراین، با توجه به مطالب بیان‌شده، تعبیر شحرور از زینت و محدود کردن آن به زینت‌های جسمانی قابل قبول نیست.

بررسی دیدگاه‌های دکتر شحرور درباره حجاب و نقد آن‌ها نشان می‌دهد که او با تکیه بر تحلیل‌های زبان‌شناختی و تاریخی، تلاش کرده است مفاهیم قرآنی چون «عورت»، «جلباب»، «جیوب» و «زینت» را به‌گونه‌ای بازتعریف کند که با شرایط اجتماعی و فرهنگی متغیر سازگار باشد.

۴-۵. نقد نتیجه دکتر شحرور

آخرین بخش نقد ساختاری، به نتایج مربوط است که ناظر به دستاوردهای فقهی و عملی این منظومه فکری است. این نتایج، در واقع برآیند مستقیم مبانی عرف‌گرایانه، روش زبان‌محور و چارچوب‌های نظری خاص در اندیشه وی به شمار می‌آیند. شحرور اعتقاد دارد اگر زن جیوب پنهان خود را برای همسر، پدر، پدر همسر، پسر و پسر همسر آشکار سازد، هیچ اشکالی ندارد. اگر او خود را می‌پوشاند، از باب حیا و عرف جامعه است، نه از باب حلال و حرام؛ زیرا حکم این افراد و همسر به‌نوعی یکسان ذکر شده است (شحرور، ١٩٩٠م، ص٦٠٧). همچنین معتقد است چون این محارم در سیاق آیه مطرح شده‌اند، دارای حکم یکسانی هستند؛ در صورتی که این دیدگاه برخلاف اجماع مسلمانان است. همچنین قرآن آیات دیگری درباره محدوده روابط زوجین دارد که شحرور در بحث روابط زوجین به آن‌ها اشاره کرده است (امین، ١٣٩١ش، ص٢٥٤).

شحرور بر این باور است که پوشاندن سر و گردن هیچ وجوب فقهی ندارد. وی کمترین حد پوشش زنان را پوشاندن جیوب پنهان دانسته است (همان، ص۵۷۲). در واقع، از نگاه وی فقط پوشاندن قسمتی از ساختار وجودی زن، امری واجب است. از نظر شحرور، این مقدار از پوشش، حکمی شخصی و تربیتی است و علت صدور حکم نیز بازداشتن زن از رفتار منافی عفت است. به باور وی، حکم حجاب قابلیت پیگیری قانونی ندارد؛ زیرا پیگیری قانونی آن تصویری خشن به نمایش خواهد گذاشت.

رعایت نکردن شئون اسلامی و حجاب در عرف اسلامی، یکی از مهم‌ترین عوامل خیانت زن و مرد به یکدیگر است. با توجه به نظرات دکتر شحرور می‌توان دریافت که وی به این مسئله از منظر وجوب نمی‌نگرد و به پوشش کامل زن در برابر نامحرمان و نیز پوشاندن جیوب پنهان در برابر محارم قائل نیست. با توجه به قوت غریزه و شهوت در زن و مرد، نمی‌توان اطمینان داشت که هیچ‌گاه دچار لغزش نشوند و به یکدیگر خیانت نکنند؛ زیرا نگاه آلوده نخستین تیر شیطان است (ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ج۲، ص۲۰۲) که مسائل دیگری را نیز در پی دارد (برقی، ۱۳۷۱ق، ج۱، ص۱۱۰).

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پس از بررسی دیدگاه دکتر شحرور درباره حجاب و تحلیل و نقد آن از منظر مفسران، نتایج زیر به دست آمد:

۱. دکتر شحرور حجاب و پوشش زنان را هنجاری اجتماعی و انعطاف‌پذیر تلقی کرده و آن را در زمره واجبات شرعی ندانسته است. وی الزام به پوشش کامل در برابر نامحرمان یا پوشاندن بخش‌های پنهان بدن در برابر محارم را لازم نمی‌داند. حجاب در اندیشه او ماهیتی نسبی و وابسته به عرف اجتماعی دارد و نه یک دستور مطلق.

۲. از دیدگاه دکتر محمد شحرور، تنها پوشاندن بخش خاصی از «جیوب» که طبق تفسیر وی به ابعاد درونی و ساختاری وجود زن مرتبط است، الزامی محسوب می‌شود. با توجه به معنای «زینت» و «جیوب»، وی بیان می‌کند که این نوع پوشش، جنبه‌ای فردی دارد.

۳. نقدها نشان می‌دهند که هرگونه بازتفسیر باید میان اصالت نصوص دینی و مقتضیات اجتماعی متغیر تعادل برقرار کند. حجاب در سنت اسلامی نه صرفاً امری اجتماعی، بلکه حقی الهی و تکلیفی شرعی است که نمی‌توان آن را به انتخاب فردی تقلیل داد.

۴. تحلیل آیه ۵۹ سوره احزاب نیز نشان داد که تلقی شحرور از «جلباب» صرفاً به‌عنوان توصیه‌ای اجتماعی و غیرتشریعی، مبتنی بر نادیده گرفتن قرائن درون‌متنی، کاربردهای لغوی و فهم تاریخی از این واژه است.

۵. تفسیر شحرور از «جیوب» به‌مثابه شکاف‌های بدن زن و تقلیل وجوب پوشش به پوشاندن این نواحی، با داده‌های معتبر لغوی و کاربرد قرآنی این واژه هم‌خوانی ندارد. همچنین محدود کردن مفهوم «زینت» به زینت‌های جسمانی و طبیعی و خارج دانستن پوشش سر و گردن از دایره الزام شرعی، حاصل رویکردی گزینشی به زبان قرآن است که از جامع‌نگری تفسیری فاصله دارد. در همین راستا، تفسیر شحرور از «غضّ بصر» به‌عنوان امری نسبی و وابسته به رضایت طرف مقابل، با اطلاق امر قرآنی و تفسیر غالب مفسران مبنی بر حرمت نگاه به نامحرم، سازگار نیست.

۶. بازاندیشی در احکام اجتماعی اسلام، از جمله حجاب، تنها در چارچوب اجتهاد ضابطه‌مند و با حفظ مرجعیت نص و سنت امکان‌پذیر است و هرگونه تفسیر فردی که این اصول را نادیده بگیرد، هرچند در ظاهر نوگرا باشد، از اعتبار علمی و فقهی لازم برخوردار نخواهد بود.

۷. نتیجه مهم این پژوهش آن است که رویکرد شحرور، اگرچه در طرح پرسش‌های جدید درباره نسبت دین، عرف و زمانه معاصر قابل توجه است، اما به دلیل ضعف در مبانی، ادله و لوازم دیدگاه، بی‌اعتنایی به سنت نبوی و تفسیر اجتهادی معتبر، به عرفی‌سازی حکم حجاب و تقلیل آن از «حق الهی» به «انتخاب شخصی» منتهی می‌شود. این پیامد نه‌تنها با ساختار کلی احکام اجتماعی اسلام ناسازگار است، بلکه می‌تواند در سطح عملی به تضعیف هنجارهای عفت عمومی، کاهش پایبندی اجتماعی، ایجاد شکاف میان نسل‌ها و گسست در فهم مشترک دینی بینجامد.

۷. فهرست منابع

قرآن کریم

کتاب‌ها

۱. ابن حیون، نعمان بن محمد (۱۳۸۵ق). دعائم الإسلام. قم: مؤسسة آل‌البیت.

۲. ابن فارس، احمد (۱۳۹۹ش). معجم مقاییس اللغة. قم: دارالفکر.

۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (١٤١٤ق). لسان العرب. بیروت: دارالإحیاء.

۴. امین اصفهانی، نصرت‌بیگم (١٣٦١ش). مخزن العرفان فی تفسیر القرآن. تهران: نهضت زنان مسلمان.

۵. برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ق). المحاسن. قم: دارالکتب الإسلامیة.

۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ش). زن در آیینه جمال و جلال. قم: اسرا.

۷. جوادی آملی، عبدالله (١٤٠٠ش). تفسیر تسنیم، ج ۵۹. قم: اسراء.

۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (١٤١٢ق). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دارالقلم.

۹. زبیدی، مرتضی (١٤١٤ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دارالفکر.

۱۰. زمخشری، محمود بن عمر (١٤٠٧ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. بیروت: دارالکتب العربی.

۱۱. شحرور، محمد (۱۹۹۰م). الکتاب والقرآن: قراءة معاصرة. دمشق: الأهالی.

۱۲. شحرور، محمد (۲۰۱۷م). الکتاب والقرآن رؤیة جدیدة. بیروت: دارالساقی.

۱۳. شحرور، محمد (۲۰۱۰م). القصص القرآنی: قراءة معاصرة. بیروت: دارالساقی.

۱۴. شحرور، محمد (۲۰۱۲م). السنة الرسولیة والسنة النبویة. بیروت: دارالساقی.

۱۵. شحرور، محمد (۲۰۰۰م). نحو أصول جدیدة للفقه الإسلامی: فقه المرأة. دمشق: الأهالی.

۱۶. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۸ش). المیزان. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. تهران: امیرکبیر.

۱۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۳ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصرخسرو.

۱۸. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ش). مجمع البحرین. تهران: مرتضوی.

۱۹. حلی، مقداد بن عبدالله (۱٤۱۹ق). کنز العرفان فی فقه القرآن. تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۲۰. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱٤۰۹ق). العین. قم: هجرت.
۲۱. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱٤۱۵ق). قاموس المحیط. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۲۲. فطانی، فوزی بن عبدالصمد (بی‌تا). شحرور مفسداً لا مفسّراً. بی‌جا: مرکز سلف للبحوث والدراسات.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱٤۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامی.
۲۴. مصطفی، ابراهیم (۱۹۸۹م). المعجم الوسیط. ترکیه: دارالدعوة.
۲۵. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱٤۰۱ق). مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان. قم: انتشارات اسلامی.
۲۶. قمی، علی بن ابراهیم (۱٤۰٤ق). تفسیر علی بن ابراهیم القمی. قم: دارالکتاب.

مقالات

۲۷. احمدزاده، سیدمصطفی (۱۳۸۰ش). شبهاتی در موضوع قرآن و زن: نقدی بر دیدگاه‌های محمد شحرور. پژوهش‌های قرآنی، شماره‌های ۲۷ و ۲۸.
۲۸. امین، سیدمهدی (۱۳۹۱ش). مسألة الحجاب فی القرآن: وقفة مع الدکتور محمد شحرور. المنهاج، شماره ۲٦.
۲۹. بهمن‌پوری، عبدالله؛ آل‌کثیر، صدیقه (۱۳۹٤ش). بررسی و نقد استنباط فمینیست‌ها از حجاب. فصلنامه مطالعات اجتماعی، سال سوم، شماره ۲.
۳۰. عقیلی، فاطمه (۱٤۰٤ق). النسویة المعاصرة: نقد آراء محمد شحرور حول حجاب المرأة. المصباح، شماره ۳۸.
۳۱. علائی رحمانی، فاطمه؛ معتمد لنگرودی، فرشته (۱۳۹۹ش). بررسی روش‌های نقد احادیث نبوی از دیدگاه محمد شحرور. پژوهشنامه قرآن و حدیث، شماره ۲۷.